

مجلس اول

شخصیت‌شناسی امام حسین علیه السلام

مقدمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا». (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸)

شخصیت ممتاز امام حسین

امامان معصوم علیهم السلام از مولی الموحّدين گرفته تا حضرت مهدی علیه السلام نور واحد و از حقیقت محمدی‌اند.

در طول زندگی برای بعضی معصومین، فرصت و موقعیتی پیش آمد که برای بیشترشان، آن فرصت و موقعیت پیش نیامده بود. مانند فرصتی که امام صادق در برهه‌ای از زمان، بر اثر اختلافات شدید بنی‌عباس با بنی‌امیه به دست آورد و حالا اگر گفتیم امام جعفر صادق علیه السلام زنده‌کننده اسلام راستین است، بدان معنا نیست که امامان دیگر قابلیت این کار را نداشته‌اند. همچنین موقعیتی که امام حسین علیه السلام جهت قیام به دست آورد.

الف) ویژگی‌های امام حسین علیه السلام

۱. خداوند برای امام حسین علیه السلام حساب جداگانه‌ای باز کرده است. بعضی دانشمندان و مورخان غیراسلامی گفته‌اند:

ال. ام. بویده: «درس امام حسین علیه السلام این است که در دنیا، اصول عدالت

و... تغییر ناپذیرند.» (رجبعلی مظلومی، رهبر آزادگان، ص ۶۱)

ایرونیگ مورخ آمریکایی: «برای امام حسین علیه السلام ممکن بود که زندگانی خود را با تسلیم شدن به اراده یزید نجات بخشد.» (رجبعلی مظلومی، رهبر آزادگان، ص ۶۱)

۲. تمام عوالم هستی برای حضرتش گریه کردند. همانگونه که برای حضرت یحیی علیه السلام آسمان گریه کرد. مرحوم طبرسی در مجمع می‌فرماید: برای حضرت یحیی علیه السلام و امام حسین علیه السلام آسمان‌ها و فرشتگان، چهل شبانه‌روز گریه کردند و آفتاب در طلوع و غروبش تا چهل روز به حالت حمراء و سوزش بود.

در بارگاه قدس که جای ملال نیست سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است
جنّ و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند گویا عزای اشرف اولاد آدم است

۳. اهمیت زیارت امام حسین علیه السلام:

ابن قولویه در کامل الزیارات، ص ۱۳۵ از امام صادق علیه السلام در وصف زائران امام حسین علیه السلام نقل می‌کند: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ عَلَى مَوَائِدِ نُورِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَلْيَكُنْ مِنْ زُوَارِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام». (شیخ صدوق، کامل الزیارات، ص ۱۳۵)

همچنین در برخی روایات دیگر، زیارت امام حسین علیه السلام معادل و جایگزین حج و عمره است. شیخ صدوق زیارت امام حسین را واجب کفایی می‌داند.

۴. امام حسین علیه السلام در دل شب، غذای بیچارگان را حمل می‌کرد.

ب) امام حسین علیه السلام و حکومت دینی

حکومت اسلامی به حکومت استبدادی مبدل شد و اسلام بازیچه دست حاکمان گردید. لذا امام حسین علیه السلام فرمود: «وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بُلِيَتْ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلَ يَزِيدَ وَ لَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ الْخِلَافَةُ مُخَرَّمَةٌ عَلَى آلِ أَبِي سُفْيَانَ» (ابن طاووس، اللهوف على قتلى الطفوف، ص ۱۱)

شاید برخی تصور کنند چرا امام به جنگ نابرابر اقدام نمود در پاسخ باید گفت: آنجا که آیین خدا به خطر افتد تقدیم جان و مال و مقام کاری است پرارزش. علی علیه السلام می فرماید: «وَ إِذَا نَزَلَتْ نَازِلَةٌ فَاجْعَلُوا أَنْفُسَكُمْ دُونَ دِينِكُمْ» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۱۶)

ج) امام حسین علیه السلام و اصلاحات

بزرگترین اهداف رهبران الهی، اصلاح امور انسانها است.

امام حسین علیه السلام فرمود: «أَنْتِي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي.» (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۸۹)

د) امام حسین علیه السلام و آزادی

آزادی یکی از بزرگترین اهداف پیامبران بود.

امام علیه السلام اعلام می کند که نهادینه سازی آزادی و حفظ اسلام، به شهادت نیاز

دارد. «وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ!» (طبرسی، الاحتجاج على أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۰۰)

«إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمَأًا!» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱)

«موریس دو کبری» می گوید: «حسین علیه السلام برای از بین بردن ظلم و ستم قیام کرد و زیر بار استعمار نرفت. (هاشمی نژاد، درسی که حسین علیه السلام به انسان آموخت، ص ۴۴۴)

ه) امام حسین علیه السلام و غیرت دینی

امام حسین علیه السلام هنگامی که می بیند لشکر کفر به خیام حمله ور شده و قصد اهانت به اهل بیت دارند فریاد می زد: «وَيْلَكُمْ يَا شِيعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ إِنَّ لَكُمْ لِكُنْ لَكُمْ دِينَ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ» (ابن طاووس، اللهوف على قتلى الطفوف، ص ۱۲۰)

و) امام حسین علیه السلام و حقوق بشر

یکی از مسائل مهم ادیان آسمانی، مسئله حقوق بشر است. اساس نهضت و قیام رهبران الهی دو چیز بود:

۱. حریت و آزادی

۲. رعایت حقوق انسانها

حضرت علی علیه السلام فرمود: «وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيَتْ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتِ أَفْلَاكِهَا عَلَى أَنْ اعْصَى اللَّهَ فِي نَمَلَةٍ اسْلُبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ» (بحرانی، حلیة الابرار فی احوال محمد و آلہ الأطهار علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۰۶)

مجلس دوم

استنادات قرآنی قیام امام حسین علیه السلام

مقدمه

عمل و گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام ترجمان و تفسیر قرآن کریم است. نخستین مفسر قرآن کریم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اهل بیت علیهم السلام را در حدیث ثقلین، عدل قرآن قرار داد.

امام حسین علیه السلام انگیزه مهلت خواستن شب پایانی حیات خویش را قرائت قرآن ذکر می کند: «أَنْتَى كُنْتُ قَدْ أَحْبَبْتُ الصَّلَاةَ لَهُ وَ تِلَاوَةَ كِتَابِهِ وَ كَثْرَةَ الدُّعَاءِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۹)

استنادات قرآنی

۱. آیه استرجاع: **إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** (بقره، آیه ۱۵۶)

هنگامی که ولید بن عتبه خبر مرگ معاویه را به امام داد، و مروان بن حکم به حضرت توصیه کرد تا با یزید بیعت کند و خبر شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه به حضرت رسید، ایشان آیه استرجاع را تلاوت فرمود.

۲. آیه تطهیر: **إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً** (احزاب، آیه ۳۳)

بعد از تهدید مروان و اصرار بر بیعت با یزید، امام حسین علیه السلام فرمود: «وَيْلَكَ

إِلَيْكَ عَنِّي، فَإِنَّكَ رِجْسٌ وَ إِنَّا أَهْلَ بَيْتِ الطَّهَارَةِ الَّذِي أَنْزَلَ اللَّهُ فِيْنَا: إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (تسلیة المجالس وزینة المجالس، ج ۲، ص ۱۵۳)

دلیل استناد امام به این آیه این است که ثابت کند. پیروی از حکومت اهل رجس و بیعت با آنها، حرام است.

۳. آیه: **خَائِفًا يَتَرَقَّبُ** (قصص، آیه ۲۱)

امام حسین علیه السلام در شب یکشنبه، ۲۸ رجب سال ۶۰ هجری از مدینه خارج شد؛ در حالی که این آیه را تلاوت می کرد: «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ». همچنان که وقتی به حضرت موسی علیه السلام خبر دادند که فرعونیان قصد کشتن او را دارند، با ترس از مصر به مدین رفت؛ دعا کرد: «رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ!»

۴. آیه: **وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ** (قصص، آیه ۲۲)

دعایی است که حضرت موسی علیه السلام به هنگام ورود مدین تلاوت کرد. امام حسین علیه السلام نیز با استمداد از خدا و قرائت این آیه، وارد شهر مکه شد.

۵. آیه: **لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا** (توبه، آیه ۵۱)

در منزلگاه «بطن الرّمه» عبدالله بن مطیع از امام علیه السلام پرسید چه چیزی باعث شده از حرم جدّت خارج شوی؟ امام فرمود: «کوفیان مرا دعوت کرده اند.» ابن

مطیع از امام خواست به کوفه نرود بعد امام این آیه را تلاوت فرمودند.

۶. آیه: فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ (فتح آیه ۱۰)

امام حسین علیه السلام در جمع یاران حر سخنرانی کرد و آنها را به وفاداری و بیعت فراخواند، سخن از نامه‌های کوفیان گفت و در پایان این آیه را قرائت فرمود.

۷. آیه: مَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَصُدًا (کهف، ۵۱)

امالی صدوق: وقتی امام حسین علیه السلام عبیدالله حر جعفی را دعوت کرد و او پذیرفت، وگفت شمشیر و اسبم را می‌دهم ولی خودم را معاف بدار امام در جواب این آیه را تلاوت فرمود. (شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۵۵)

۸. آیه: وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (کهف، آیه ۵۱)

هنگامی که ام‌کلثوم به امام حسین علیه السلام عرض کرد: «منزلت جد، مادر و برادرت را به این قوم یادآوری کن»، امام فرمود: «به آنان یادآوری کردم؛ اما نپذیرفتند. آنان را اندرز دادم؛ اما اندرزم در آنان کارساز نبود و سخنم را نشنیدند. آنها تصمیمی جز کشتن من ندارند و چاره‌ای نیست جز این که شما مرا بر این خاک ببینید. یکی از دختران امام حسین علیه السلام می‌گوید که ساعتی گریستیم و حضرت این آیه را قرائت فرمود.

۹. آیه املاء: وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ... (آل عمران، آیه ۱۷۸)

ابومخنف: شب عاشورا، امام حسین علیه السلام این آیه شریفه را قرائت کرد: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا

وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (آل عمران ۱۷۸)

۱۰. آیه: فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ (اعراف آیه ۱۹۶)

روز عاشورا هنگامی که سپاه ابن سعد حرکت کرد و به لشکر امام حسین علیه السلام نزدیک شد، امام با صدای بلند فرمود: ای مردم! به سخن من گوش فرادهید و برای پیکار با من شتاب نکنید تا اینکه شما را به حق موعظه و علت آمدنم را به سوی شما بیان کنم. اگر دلیلم را پذیرفتید و سخن مرا درست دیدید، قبول کنید و اگر عذر مرا نپذیرفتید و با من از در انصاف درنیامدید «فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تَنْتَظِرُونِ» (موسوعة کلمات الامام الحسين، ص ۵۰۷)

۱۱. آیه: وَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ (احزاب، آیه ۲۳)

امام حسین علیه السلام در زمان خبر شهادت قیس و مسلم بن عوسجه و هنگام خداحافظی این آیه را تلاوت می‌نمود. «وَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ» (احزاب ۲۳)

۱۲. آیه اصطفاء: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ... (آل عمران، آیه ۳۳ و ۳۴)

امام حسین علیه السلام روز عاشورا، وقتی فرزند دلبندهش، علی اکبر علیه السلام رهسپار میدان شد، پشت سر او این آیه را تلاوت کرد: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.» (آل عمران، آیه ۳۳)

سیاست‌های امویان در دین‌ستیزی و ارزش‌زدایی

مقدمه

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به دستور خدای متعال در زندگی مردمان دست به انقلابی فراگیر در تمامی باورها، اندیشه‌ها، عُرف‌ها، احکام، اخلاق و روابط زد و حیات جاهلیت را به طور کامل نابود کرده و بنای نو و کامل اسلام را در جامعه استوار ساخت و فرمود: اکنون مانند روز اولی است که خدا آسمان و زمین را آفرید و دگرگونی کامل و اساسی رخ داده است. در ادامه نیز افزود هر پدیده و نشانی از جاهلیت از بین رفته است: «أَلَا كُلُّ شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ تَحْتَ قَدَمِي» مؤذوع» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۴۰۵)

در کنار آن انقلاب فراگیر، به انقلاب در جایگاه‌های سیاسی و اجتماعی دست زد. نمونه‌ها: امارت عتاب بن أسید ۲۱ ساله بر مکه؛ برگزیدن اسامه بن زید جوان به فرماندهی لشکر.

دگرگونی اوضاع جامعه اسلامی پس از وفات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

پس از درگذشت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اوضاع برگشت و مستکبران بر جایگاه پیشین خویش دست یافتند. ارزش‌های اسلامی تحریف و واژگون شد. اوج این کژروی در عهد یزید به منصفه ظهور رسید و یزید آشکارا حرام مرتکب می‌شد.

امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام: «يَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ مُعَلِنٌ بِالْفِسْقِ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵)

سوءاستفاده امویان از ناتوانی خلیفه سوم

عثمان به امویان گرایش داشت و بیت‌المال را نثارشان می‌کرد. آنان نیز از ضعف و بی‌لیاقتی خلیفه بهره بسیار بردند.

اعتراض و شورش ابوذر غفاری

ابوذر ساکت و بی‌توجه ننشسته، و میان مردمان سخنرانی و افشاگری می‌نمود و به عثمان و دیگران اعتراض می‌کرد.

اوضاع جامعه اسلامی در زمان امام علی عَلَيْهِ السَّلَام

با روی کار آمدن امام علی عَلَيْهِ السَّلَام تلاشی دوباره صورت گرفت تا ارزش‌های اسلام حاکمیت مجدد یابد. هر چه عثمان به ناحق بخشیده بود، به بیت‌المال برگرداند. مکر و فریب امثال معاویه را به کار نمی‌بست. خود فرمود: «وَاللَّهِ مَا مُعَاوِيَةُ بِأَذْهَى مِنِّي وَ لَكِنَّهُ يَغْدِرُ وَ يَفْجُرُ وَ لَوْ لَا كَرَاهِيَةُ الْعَدْرِ لَكُنْتُ مِنْ أَذْهَى النَّاسِ.» (شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۲۱۱)

اوضاع جامعه اسلامی در زمان امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام

مردمان و فرماندهان سپاه امام مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام چشم طمع به بذل و بخشش معاویه دوخته، فریب حيله و نیرنگ معاویه را خوردند، امام مجبور به صلح شد.

دولت بنی‌امیه در تاریخ اسلامی

بنی‌امیه با خالی شدن عرصه از ارزش‌ها، قدرت جاهلی خویش را بازگرداندند. بسیاری از ضد ارزش‌ها و شیوه‌های جاهلیت را احیا کردند.

گرایش الحادی بنی امیه

گرایش های الحادی امویان ریشه دار و قدیمی بود. سردمداران این خاندان، ابوسفیان و معاویه و یزید بودند که کفر و الحادشان زبانزد همگان است.

فسق و فجور آشکار امویان

در دوران بنی امیه غنا و می گساری و مجالس لهو و لعب بی پروا رایج بود. یزید اولین خلیفه ای است که آشکارا شراب نوشید. ابن عساکر حمل شراب با شتر را به دربار معاویه در تاریخ آورده است.

تربیت مسیحی گونه یزید

یزید در جامعه مسیحی تربیت شد و در زمان خلافتش خوی مسیحی خود را نشان داد، اطرافیان و ندیماناش را از مسیحیان گذاشت.

شیوه های امویان در آزار و تحقیر مسلمانان

مردان مسلمان را عبد و برده خود گرفته و خرید و فروش می کردند، فروش زنان مؤمن قبیله همدان به جرم هواداری از عترت پیامبر نمونه آن است.

شیوه های معاویه در تبعیض نژادی

معاویه می کوشید بین امام حسن علیه السلام و اصحاب اختلاف بیندازد. زیاد بن ابیه با شیوه «تفرقه بینداز و حکومت کن» توانست قبایل عراق را زیر یوغ بردگی درآورد؛ آنان بین عرب و عجم دودسته گی و پراکندگی ایجاد کردند.

مقایسه سیاست مالی بنی امیه و امام علی علیه السلام

معاویه می گفت مال، مال خدا و وی خلیفه خداست، پس حق دارد هرگونه که می خواهد در مال تصرف کند. در مقابل امام علی به شدت با والیان خطاکار

برخورد می کرد؛ مانند: مصقلة بن هبیره در فیروزآباد و عثمان بن حنیف انصاری در بصره.

بهره گیری مالی امویان برای اهداف سیاسی

بنی امیه با پرداخت مبالغ هنگفت، دین و وجدان افراد را خریده، در راه مطامع و اهداف سیاسی خود از آنان بهره برداری می کردند.

جعل حدیث

از خطرترین اقدامات ناجوانمردانه امویان در راستای تحریف دین و استفاده ابزاری از مقدسات و باورهای مذهبی مردم، جعل حدیث بود. معاویه چهارصد هزار درهم به سمرة بن جندب داد تا به دروغ بگوید آیه زیر در سرزنش امام علی علیه السلام نازل شده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» (بقره: ۲۰۴-۲۰۵ و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید؛ ج ۴، ص ۷۳)

اهداف سیاسی امویان در جعل حدیث

۱. مخالفت و هم آوردی با امیر مؤمنان علیه السلام

۲. ستایش معاویه

۳. قداست بخشی به منطقه شام

۴. واداشتن مردم به اطاعت از امویان

مجلس چهارم

نقش معاویه بن ابی سفیان در شهادت امام حسین علیه السلام

مقدمه

حادثه کربلا و شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام از مهم ترین قضایای تاریخی است که در عقاید مسلمانان نقش بسزایی داشته و گستردگی ابعاد آن همواره برای دانشمندان و اندیشمندان شگرف بوده است.

به طور کلی می توان حادثه کربلا را از سه جهت بررسی کرد:

۱. ریشه ها و علت های رخداد این حادثه؛

۲. وقایع پیش آمده در حادثه کربلا؛

۳. آثار و پیامدهای این حادثه در تاریخ اسلام.

هر کدام از این امور ابعاد فراوانی دارد ولی در این نوشتار، فقط به نقش پنهانی

معاویه در قتل امام حسین علیه السلام می پردازد.

طرح دیدگاه

نقش معاویه در شهادت سیدالشهدا علیه السلام از دو جنبه قابل بررسی است:

الف) اثبات ولایتعهدی یزید

ب) طراحی نقشه قتل و شهادت امام حسین علیه السلام توسط معاویه

نقشه قتل و شهادت امام حسین علیه السلام در عراق توسط خود معاویه طراحی کرده و یزید آن را به اجرا گذاشته است.

موانع جانشینی یزید

مانع اول: وجود بزرگانی از صحابه.

مانع دوم: افرادی که ادعای ریاست و خلافت داشتند.

معاویه برخی را با مسموم کردن، بعضی را با تبعید و عده ای را با تظمیع مالی از مقابل خود کنار زد. برای نمونه:

۱. امام حسن مجتبی علیه السلام

موقعیت اجتماعی امام حسن علیه السلام و قرارداد میان آن حضرت و معاویه. مانعی برای طرح ولایتعهدی بود.

۲. سعد بن ابی وقاص

اگرچه با علی علیه السلام رابطه خوبی نداشت، ولی برای شخص معاویه نیز احترامی قائل نبود.

۳. عبدالرحمان بن ابی بکر

معاویه پولی برای او فرستاد. وی مدتی بعد به قتل رسید.

۴. عبدالرحمان بن خالد بن ولید

وی در جنگ صفین پرچم دار لشکر معاویه بود. معاویه او را به دست طیبی یهودی کشت.

۵. زیاد بن ابیه

معاویه از او خواست تا مردم را به ولایتعهدی یزید فرا خواند. وی نپذیرفت، هفته ای نگذشت که زخمی در دست زیاد به وجود آمد که به مرگ او انجامید.

روش‌های مبارزه با مخالفان یزید

۱. تبعید

سعید بن عثمان بن عفان را به عنوان والی به خراسان فرستاد و اطرافیان او را تحریک کرد تا به قتلش رساندند.

۲. پرداخت حق‌السکوت به بزرگان

داستان فرستادن پول برای عبدالرحمان بن ابی‌بکر.

مغیره، والی کوفه، چهل نفر را با پول خرید و به شام فرستاد تا در بین مردم از معاویه درخواست کنند که یزید را جانشین خود نماید.

عبدالله بن عمر نیز با گرفتن پول سکوت کرد.

۳. ترور مخالفان

عبدالرحمان بن خالد و زیاد بن ابیه ترور شدند.

اهداف شوم معاویه در کوفه

معاویه قصد داشت مخالفان ولایتعهدی یزید و شیعیانی را که ممکن بود در آینده در زمرهٔ کمک‌کنندگان سیدالشهدا علیه‌السلام باشند سرکوب کند.

حجر بن عدی و عمرو بن حمق توسط زیاد بن ابیه دستگیر شدند.

از شخصیت‌های مخالف ولایت عهدی یزید فقط دو نفر باقی ماندند: حضرت

سیدالشهدا علیه‌السلام و عبدالله بن زبیر.

معاویه و عزل حاکم مدینه

معاویه قبل از مرگش، مروان را که دشمن خونی امام حسین علیه‌السلام بود از

حاکمیت مدینه عزل کرد و به جای او ولید بن عتبه را قرار داد.

معاویه قصد نداشت در مدینه با شدت با امام حسین علیه‌السلام برخورد شود. لذا مروان را عزل کرد.

مرگ معاویه و نامهٔ یزید به ولید، حاکم مدینه

پس از مرگ معاویه، یزید در نامه‌ای به ولید نوشت: از عموم مردم برای من بیعت بگیر؛ به خصوص عبدالله بن زبیر و حسین بن علی. ولید از امام تقاضای بیعت می‌کند ولی برخلاف نظر مروان به ایشان صدمه‌ای نمی‌رساند.

فرستادن حضرت مسلم به کوفه

امام حسین علیه‌السلام جناب مسلم را به نمایندگی خود به کوفه فرستادند.

نقش نعمان، حاکم کوفه

وی بر منبر رفت و به نرمی با مردم سخن گفت. واکنش نعمان سبب شد یاران

حضرت مسلم علیه‌السلام احساس امنیت کنند و قضیهٔ جناب مسلم علیه‌السلام آشکار شود.

مزدوران حکومت در کوفه به یزید نامه‌ای نوشتند: «اگر کوفه را می‌خواهی، فرد

دیگری را به آنجا بفرست.»

معاویه حکم ابن‌زیاد را برای سرپرستی شهر کوفه و بصره، با خط خود نوشته بود.

نتیجه

معاویه عاملِ خلافت یزید و شهادت امام حسین علیه‌السلام بود.

مجلس پنجم

شخصیت و قیام امام حسین علیه السلام از دیدگاه غیرمسلمانان

مقدمه

تأثیر قیام سرور آزادگان جهان، به قدری ژرف و گسترده است که گذشت زمان، نه تنها آن را به بایگانی تاریخ نسپرده، بلکه صاحبان اندیشه و پویندگان راه حقیقت، بیشتر به عظمت آن پی برده و تأثیر آن قیام را حتی در خارج از جهان اسلام مورد توجه قرار داده‌اند.

۱. گوهر جاودانهٔ ادیان

«آنتوان بارا» می‌نویسد: «امام حسین علیه السلام، خاص شیعه و مسلمانان نیست؛ بلکه گوهر جاودانه همهٔ ادیان است. (آنتوان بارا، الحسین علیه السلام فی الفكر المسيحي، صص ۳۴۹-۳۵۲)

«کورت فریشلر» نهضت کربلا را حماسهٔ جهانی می‌داند: «کشته شدن حسین و یارانش، قطع نظر از هر نوع نظریهٔ ایدئولوژی، از لحاظ شجاعتی که از آن مرد بزرگ و یارانش به ظهور رسید، یکی از حماسه‌های رزمی بزرگ جهان است.»

۲. امر به معروف و نهی از منکر

برخی تصور می‌کنند امام حسین علیه السلام برای رسیدن به قدرت یا رقابت‌های قومی قیام کرد؛ اما داده‌های تاریخ و دیدگاه و رفتار امام، برخلاف این تصور است. امام خود فرمود: «أَنْتَى لَمْ أَخْرُجْ أَشِرًّا وَ لَا بَطِرًّا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۴، ص ۸۹)

«مسیو ماریین»: «زمانی که بنی‌امیه، دشمن کینه‌توز اسلام، در مقام هتک حرمت اسلام برآمدند، حسین علیه السلام، سکوت را جایز ندانسته و آشکارا می‌گفت:

«من در راه حق و برای امر به معروف قیام خواهم کرد...» (عبدالکریم هاشمی نژاد،

درسی که حسین علیه السلام به انسان‌ها آموخت، ص ۴۴۴)

۳. حفاظت از دین و ارزش‌ها

بی‌تردید امام حسین علیه السلام در پی حفظ دین، احیای ارزش‌های اسلامی و جلوگیری از بازگشت به عصر جاهلیت و به هدر رفتن تلاش‌های طاقت‌فرسای رسول خدا صلی الله علیه و آله بود! شهادت امام حسین علیه السلام، به احیای مکتب محمدی کمک کرد و خون پاک اباعبدالله علیه السلام، درخت اسلام را آبیاری نمود؛ تا آن‌جا که گفته شده است: «إِنَّ الْإِسْلَامَ مُحَمَّدِي الْخُدُوثِ وَ حُسَيْنِي الْبَقَاءِ.» (جواد محدثی، فر هنگ عاشورا، ص ۱۲۰)

«نیکلسون»: «بنی‌امیه طغیانگر بودند و قوانین اسلامی را نادیده انگاشتند. مسلمین را خوار نمودند و صاحبان حکومت را کشتند؛ بنابراین، تاریخ از روی انصاف حکم می‌کند که خون حسین علیه السلام به گردن بنی‌امیه است.» (رجبعلی مظلومی، رهبر آزادگان، ص ۶۴)

امام حسین علیه السلام در این امر موفق بود. ابراهیم بن طلحة بن عبیدالله، خطاب به امام سجاد گفت: «يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ مَنْ غَلَبَ؟ أَنْ حَضَرْتَ فَرَمُود: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ مَنْ غَلَبَ وَ دَخَلَ وَ قَتَّ الصَّلَاةَ، فَأَذَنْ تُمْ أَقِمَّ» (شیخ طوسی، الأمالی، ص ۶۷۷)

۴. آزادی خواهی

«آزادی»، واژه‌ای زیباست و جهانیان آن را ارمغانی بزرگ می‌دانند که طلایه‌دارش امام حسین علیه السلام است. کلام ماندگار «وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ» (طبرسی، علام‌الوری باعلام‌الهدی، ج ۲، ص ۳۵۴) برای همیشه بر تارک تاریخ می‌درخشد.

۵. الگوسازی

به ظاهر نبرد نابرابر کربلا به نفع جبهه باطل به پایان رسید؛ ولی در نگاه عمیق، پیروزی حقیقی متعلق به امام حسین علیه السلام و یاران او بود؛ زیرا حضرت در آن قیام، راه و رسمی ماندگار در عالم به یادگار گذاشت و با خون سرخش، مکتبی را برای مسلمانان، بلکه همه آزادگان جهان بنا نهاد که سرمشق حق طلبان عالم است. (سعید داودی و رستم نژاد، عاشورا، ریشه‌ها، انگیزه‌ها، روی داده‌ها، پی آمدها، ص ۶۶)

«گاندی»: «من برای مردم هند چیز تازه نیاوردم؛ فقط نتیجه‌ای را که از مطالب و تحقیقاتم درباره تاریخ زندگی قهرمان کربلا به دست آورده بودم، ارمغان ملت هند کردم.» (نعمت‌الله حسینی، سیدالشهدا علیه السلام پرچمدار پیروزی خون بر شمشیر، ص ۳۴۶)

۶. حزن فراگیر

حادثه کربلا ابعاد متعددی دارد که یکی بعد عاطفی و مصیبت‌های آن است. حضور کودکان و زنان و شهادت اطفال، مصائب آن را افزوده است و این امر، حتی دانشمندان غیرمسلمان را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

«بولس سلامه»: «شب‌هایی بیدار بودم و با درد و رنج می‌گذراندم که افکار و تخیلاتم مرا به یاد گذشتگان کشاند و در تاریخ گذشته، دو شهید بزرگ امام علی علیه السلام و سپس امام حسین علیه السلام را به یاد من آورد. یک‌بار به مدت طولانی در علاقه به آن دو بزرگوار گریستم.» (عقیقی بخشایشی، زندگانی پیشوایان، ص ۸۶)

۷. پیروزی

حقیقت این است که امام حسین علیه السلام در این جنگ پیروز میدان بود؛ زیرا شهادت و پیروزی ظاهری هر دو پیروزی است. آیه «هَلْ تَرَبُّونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ» (قصص، آیه ۵۲) ناظر بر همین معناست.

پرفسور «ماربین» می‌نویسد: «... در ظاهر، یزید، حسین علیه السلام و انصارش را کشت؛ اما در باطن، حسین علیه السلام یزید و همه بنی‌امیه را بدتر از هزار بار کشت. یزید آن‌ها را در یک روز به شهادت رساند؛ اما امام حسین علیه السلام و طرفدارانش را تا ابد و هر روز می‌کشد.» (محمدی اشتهاوردی، امام حسین علیه السلام آفتاب تابان ولایت، ص ۲۱۸)

۸. جاودانگی

رخ داده‌ها و انقلاب‌ها - معمولاً - در فرآیند زمان فراموش و پرونده آن‌ها بسته می‌شود.

۹. بیداری امت اسلامی

شهادت امام حسین علیه السلام، جامعه اسلامی را تکان داد و با دمیدن روح مبارزه و فداکاری در وجود آن، حصار در خودفرورفتگی را که رژیم اموی به دور آنان کشیده بود، در هم ریخت. در زیارت اربعین می‌خوانیم: «وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ حَيْرَةِ الْجَهَالَةِ» (ابن قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۲۲۸)

«پورشو تاملاس توندون» می‌گوید: «من اهمیت برپاداشتن این خاطره بزرگ تاریخی را می‌دانم. این فداکاری‌های عالی، از قبیل شهادت امام حسین علیه السلام، سطح فکر بشریت را ارتقا بخشیده و خاطره آن شایسته است همیشه باقی بماند و یادآوری شود!» (رجبعلی مظلومی، رهبر آزادگان، ص ۷۲)

۱۰. سلب قدرت از امویان

ابوسفیان خطاب به افراد قبیله خود گفت: «يا بَنِي أُمَيَّةَ! تَلَقَّفُوهَا تَلَقَّفَ الْكُرَّةِ» (ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۵۳) این جمله نشان می‌دهد، بنی‌امیه آمده بودند که بمانند؛ اما قیام امام حسین علیه السلام مشروعیت حاکمیت آنان را سلب و از استمرار حکومتشان جلوگیری کرد.

مجلس ششم

چگونگی شکل‌گیری جریان‌های تکفیری و دلایل قدرت‌یابی آن‌ها در دهه اخیر

مقدمه

خلافت به عنوان اساسی‌ترین مسائل مسلمانان در یک‌صد سال گذشته ذهن مسلمانان را به خود مشغول کرده و جهان اسلام گرفتار فرهنگ غرب شده است.

تعدادی از متفکران مصری، راهکار را بازگشت به سلف می‌دانستند. بنابراین، همه جریان‌های تکفیری از دل گرایش‌های فکری سلفیه بیرون آمده‌اند و همه سلفیان تحت تأثیر ابن‌تیمیه‌اند

تاریخچه سلفی‌گری

سلف‌گرایی به مثابه یک روش: تا قبل از ظهور ابن‌تیمیه در قرن هشتم، توجه به آرای سلف، به مثابه یکی از روش‌های فکری اصحاب حدیث، در میان محدثان اهل سنت مطرح بود. فقهای اثرگرای مدینه در دو قرن اول هجری پیش‌قراولان رویکرد سلفی‌گرایی بودند. احمد بن حنبل نیز این رویه را ادامه داد. سلفی‌گرایی تا قرن هشتم معنایی به غیر از معنای لغوی نداشت؛ یعنی توجه به افکار گذشتگان

سلف‌گرایی به عنوان یک مکتب: ابن‌تیمیه برای نخستین بار از مکتبی به نام سلفیه نام برد.

جریان‌های تکفیری در عصر حاضر

جریان‌های تکفیری، غالباً به یکی از سه جریان اصلی تکفیری وهابیت، سپاه صحابه و طالبان، و سلفیه جهادی (القاعده) وابسته‌اند.

۱. وهابیت و تکفیر مسلمانان

وهابیت تحت تأثیر افکار ابن‌تیمیه، تمام مسلمانان را به خاطر توسل و احترام به قبور اولیای الهی، مشرک می‌داند.

۲. سپاه صحابه و تکفیر شیعه

پیشینه فکری سپاه صحابه به جریان فکری دیوبندیه باز می‌گردد که به دست شاه‌ولی‌الله دهلوی ایجاد شد.

در ۱۹۸۵ جریان تکفیری سپاه صحابه در پاکستان به وجود آمد که به تکفیر شیعه می‌پردازد آنان به دسته‌جات عزاداری حمله کرده، شیعیان را به شهادت می‌رسانند.

۳. سلفیه جهادی و گسترش خشونت و قتل به اسم اسلام

سومین و مهم‌ترین جریان تکفیری، جریان سلفیه جهادی است که از دل آن، القاعده و داعش بیرون آمد.

جنگ افغانستان فرصت خوبی برای سلفیان جهادی بود. اسامه بن لادن پس از آشنایی با عبدالله عزّام، رهبر افغان‌العرب‌ها راهی افغانستان شد و در آن‌جا به عنوان معاون عبدالله عزّام مشغول به کار شد

بعد از جنگ افغانستان و ترور عبدالله، افغان‌العرب‌ها پراکنده شدند و در

۱۹۹۴ اسامه بن لادن را به عنوان رهبر خود انتخاب کردند. بدین ترتیب گروه تکفیری القاعده در پیشاور پاکستان تأسیس شد.

در این زمان طالبان در افغانستان ظهور کرد و از بن لادن برای حضور در افغانستان دعوت به عمل آورد. بن لادن در سال ۲۰۱۰ به دست آمریکا کشته شد. ایمن الظواهری پزشک مصری و رهبر گروه الجهاد مصر، رهبر القاعده شد.

با حضور آمریکا در خلیج فارس گروه جدیدی در عراق شکل گرفت که رهبری آن را ابومصعب زرقاوی بر عهده داشت. زرقاوی بیشترین حملات خود را به سمت شیعیان نشانه گرفت.

با ظهور بیداری اسلامی و اتفاقات سوریه، القاعده سوریه با عنوان جبهة النصرة اعلام موجودیت کرد و دیگر پیروان القاعده را به کمک طلبید. القاعده عراق به رهبری ابوبکر البغدادی به سوریه رفت. ولی بر اثر اختلافات بین آنها ابوبکر البغدادی از بیعت ایمن الظواهری خارج شد و داعش (دولت اسلامی عراق و شام) را تأسیس کرد.

چرایی شکل گیری جریان های سلفی

۱. فقدان یک تفکر اسلام گرای بدیل در صحنه جهان اسلام: بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی، جهان اهل سنت به دنبال ایجاد بدیلی برای امپراتوری عثمانی بود و در این زمینه تلاش فراوانی کرد. از راه اندازی جنبش خلافت در هند، پیشنهاد رشید رضا مبنی بر پذیرش خلافت حاکم قریشی و

زیدی مذهب یمن از سوی مسلمانان تا تأسیس اخوان المسلمین و حزب التحریر همگی در راستای احیای خلافت اسلامی بود.

۲. شعار بازگشت به سلف: سید جمال و محمد عبده آن را در جهان طنین انداز کرده بودند و از سوی عده ای مثل وهابیت و سید محمد رشید رضا به نفع ابن تیمیه مصادره شد.

۳. رویکرد توحیدی سلفیان: تمام اهل سنت، اعم از اشاعره، ماتریدیه و اصحاب حدیث، قائل به نظریه خلق افعال عباد یا کسب هستند.

۴. حضور تفکر اموی گری در سلفیان: گسترش تفکر اموی، باعث گسترش تفکر ناصبی گری در جهان اسلام است و دعوای شیعه - سنی به شدت می تواند بر گسترش سلفی گری تأثیر بگذارد.

۵. به قدرت رسیدن شیعه در ایران و سپس در دیگر کشورها.

دلایل قدرت یابی جریان های تکفیری در یک دهه اخیر

مهم ترین عامل قدرت یابی جریان های تکفیری، حضور نظامی آمریکا در منطقه در یک دهه اخیر است.

به اعتقاد آنان حکومت شیعه عراق رسماً با کمک آمریکا بر سر کار آمده و باید با او مخالفت کرد.

سقوط «محمد مرسی» از حکومت در مصر باعث شد گروه های جهادی عزم خود را بیشتر جزم کنند.

مسئله سوریه از دیگر اموری است که باعث گسترش تفکر تکفیری ها شد.

مجلس هفتم شیوه‌های گسترش عفاف در جامعه

مقدمه

در عصر «ارتباطات و تکنولوژی»، با دستیابی بشر به مظاهر تمدن، در گذر از زندگی سنتی به روش مدرن و صنعتی، شاهد فراموشی هویت و مسئولیت انسان و فاصله گرفتن از ارزش‌هایی چون حیا و عفت هستیم. با کمال تأسف، هم‌زمان با گام نهادن بشر بر سکوی آسمان و حکم‌فرمایی فن‌آوری بر مغز و اراده بشر، گوهر ارزشمند عفت و اخلاق نیز از بسیاری جوامع رخت برپست.

تعریف واژه عفاف

لغت‌شناسان: «عفت، پدیدآمدن حالتی برای نفس است که با آن از افزون‌طلبی قوه شهوانیه جلوگیری می‌شود.» مرحوم نراقی می‌نویسد: «عفت عبارت است از: مطیع و منقاد شدن قوه شهوانیه برای قوه عاقله که در اقدام به خوردن و نکاح، حدود اوامر الهی را به لحاظ کمی و کیفی، نگه‌دارد.»

جایگاه عفت در اسلام

قرآن در سوره مؤمنون آیه ۵، عفت را از صفات مؤمنین شمرده است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَعْتَابِهِمْ حَافِظُونَ»

حضرت علی علیه السلام عفت را برترین عبادت شمرده است: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ»؛ «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَعَفَّ بَطْنَهُ وَفَرْجَهُ» (کافی، ج ۲، ص ۷۹) نیز می‌فرمایند: «مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴)

قلمرو عفت

عفت، ویژه زن نیست و شامل مردان نیز می‌شود. عفت، جلوه‌های گوناگونی

دارد:

۱. عفت در اندیشه

۲. عفت در گفتار

۳. عفت در رفتار (عفت در پوشش، در نگاه، در زینت و آرایش...).

در روایات بر دو عفت (جنسی و شکم)، تأکید بیشتری شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «مَا عَبْدَ اللَّهِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عِفَّةِ بَطْنٍ وَفَرْجٍ» (کافی، ج ۱، ص ۷۹)

عناصر اثرگذار بر گسترش عفت الف) عنصر فرد

آنچه در این رابطه مهم و اثرگذار است، عبارت‌اند از:

۱. تقویت باورهای دینی

اولین گام و حرکت اصولی در گسترش فرهنگ عفاف، تقویت اعتقادات اسلامی در جامعه است. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ الْحَيَاءَ وَالْعِفَّةَ مِنْ خَلَائِقِ الْإِيمَانِ، وَإِنَّهُمَا لَسَجِيَّةُ الْأَخْرَارِ وَشِيْمَةُ الْأَبْرَارِ» (غررالحکم، ج ۱، ص ۵۸۴)

۲. توجه به کرامت انسانی

یکی از عوامل مهم عفت‌پیشگی، آگاهی از شخصیت والای انسانی و شناخت منزلت خویش است. علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ» (نهج البلاغه، ص ۵۵۵، حکمت ۴۵۰)

۳. شناخت پاداش الهی

یکی دیگر از راه‌های عفت‌پیشگی، توجه به پاداش اخروی است

علی علیه السلام می‌فرماید: «فَمَنْ اشْتَأَقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَا عَنِ الشَّهَوَاتِ» (نهج البلاغه،

۴. تقویت حیا در زنان

از نظر روایات، بین عفت و حیا رابطه تنگاتنگی است. امام علی علیه السلام حیا را سبب «عفت» می نامند: «سَبَبُ الْعِفَّةِ الْحَيَاءُ» (غررالحکم، ج ۴، ص ۱۲۲) و «أَعْفَكُمْ أَحْيَاكُمْ». (غررالحکم، ج ۲، ص ۳۷۰)

۵. تقویت غیرت در مردان

«غیرت»، مانند حیا، عفت پیشگی را قوی می کند.

امام علی علیه السلام می فرماید: «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ وَ صِدْقُهُ عَلَى قَدْرِ مَرْوَتِهِ وَ شَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ أَنْفَتِهِ وَ عِفَّتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ» (نهج البلاغه، ص ۴۷۷، حکمت ۴۸)

ب) عنصر خانواده

آنچه در این باره قابل توجه است عبارت اند از:

۱. ازدواج به موقع

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم درباره حفظ عفت با ازدواج می فرماید: «إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ» (کافی، ج ۵، ص ۳۴۷)

۲. رعایت حیا و دقت در پوشش در محیط خانه

۳. چگونگی استفاده از فضای مجازی

والدین باید توجه ویژه ای بر کنترل و نظارت فرزندان در دنیای سایبری داشته باشند.

آنچه در این رابطه مهم است عبارت اند از:

۱. به روز بودن خانواده ها

۲. آگاهی بخشی به فرزندان

۳. کنترل و نظارت

۴. ایجاد فضای صمیمی در خانواده

۵. افزایش سواد رسانه ای

۶. مدیریت موبایل

ج) عنصر حکومت

عنصر سوم که در گسترش عفت نقش دارد، حکومت است. بدین معنا که در مرحله نخست، دولت باید برای اجرای قانون حجاب و عفاف، از بدنه شروع کند و در مرحله دوم، در سطح جامعه توسعه دهد. گفته شده است: «التَّاسُّ

عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ؛ مردم بر راه و رسم پادشاهان خود حرکت می کنند.»

۱. نقش هدایتی

یکی از وظایف نظام اسلامی در زمینه عفاف، بالابردن سطح آگاهی مردم است.

۲. نقش حمایتی

یکی از وظائف دولت، حمایت از برنامه سازان فرهنگی در زمینه نهادینه سازی عفاف است.

۳. نقش نظارتی

نظارت بر واردات ابزار فرهنگی و رسانه های ارتباط جمعی می تواند وضع عفاف را جامعه بهبود بخشد.

۴. نقش اجرایی

حکومت، وظیفه دارد قاطعانه با افراد شرور برخورد کند.

مجلس هشتم

شیوه‌های کسب عزت‌مندی

مقدمه

مفهوم عزت نفس در فرهنگ اسلامی را با واژه‌هایی مانند: عزت نفس، خودباوری، کرامت نفس، اعتماد به نفس، معرفت نفس می‌شناسیم. در سوره‌ی اسراء فرمود: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» مولوی می‌گوید:

تاج کَرَمناست بر فرقِ سرت طوقِ اَعْطيناك آویزِ بَرَت

از منظر قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام منشأ عزت و عزت‌مندی، عزت خداوند است و تمام کرامت‌ها و سرافرازی‌ها از آن اوست. امام علی علیه‌السلام فرمود: «مَنْ اَعْتَزَّ بِغَيْرِ عِزِّ اللَّهِ أَهْلَكَهُ الْعِزُّ» (عیون الحکم، ص ۴۴۴)

مراحل شکوفایی و ثبات عزت نفس و زمینه‌های تقویت آن:

۱. شناخت مهم‌ترین نیاز انسان

انسان باید بداند که عزت نفس یکی از حیاتی‌ترین نیازهای نوع بشر است.

امام حسین علیه‌السلام فرمود: «مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ» (مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۸)

و همچنین فرمود: «إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هَيْهَاتَ مِمَّا الدَّلَّةُ يَأْتِي اللَّهُ لَنَا ذَلِكَ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ حُجُورٌ طَابَتْ وَ حُجُورٌ طَهَّرَتْ وَ نُفُوسٌ أَبِيَّةٌ وَ أَنْوُفٌ حَمِيَّةٌ مِنْ أَنْ نُؤْتِرَ طَاعَةَ اللَّتَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ» (مشیرالاحزان، ص ۵۵)

۲. توجه به ارزش انسان

توجه به جایگاه ارزشمند انسان در عالم هستی، او را به پاسداری از عزت نفس خود وامی‌دارد و انسان آگاه، تلاش می‌کند که هرگز خود را ارزان نفروشد.

امیر مؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید: «لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَاتَتَّبِعُوهَا بِغَيْرِهَا فَإِنَّهُ مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالْدُّنْيَا فَقَدْ رَضِيَ بِالْخَسِيسِ» (تحف العقول، ص ۳۹۱) حافظ:

همایی چون تو عالی‌قدر، حرص استخوان تا کی

دریغ آن سایه همت که بر نااهل افکندی

مولوی در دیوان شمس:

مِنگر به هر گدائی، که تو خاص از آن مایی

مفروش خویش ارزان که تو بس گران‌بهای

در جایی دیگر:

شده‌ای غلام صورت به مثال بت‌پرستان

تو چو یوسفی، ولیکن به درون نظر نداری

۳. ایمان اولین پله عزت

عزت خواهی، ریشه در فطرت و ایمان انسان دارد و اگر آدمی را از عزت نفسش تهی کنند، از انسانیت و ایمانش چیزی باقی نخواهد ماند.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ إِنَّ الْجَبَلَ يَسْتَقَلُّ مِنْهُ»

بِالْمَعَاوِلِ وَالْمُؤْمِنِينَ لَا يَسْتَقِلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ» (کافی، ج ۵، ص ۶۳)

۴. تقوا و پرهیزگاری

خودنگه‌داری (تقوا)، سرافرازی می‌آورد و پرده‌داری سرافکنندگی.

امیرمؤمنان علی علیه السلام: «التَّقْوَى تُعِزُّ، الْفُجُورُ يَذِلُّ» (تصنیف غرر الحکم، ص ۴۶۲)

عزت نفس حاج ملاهادی سبزواری

ناصرالدین‌شاه، در سبزواری به خانه‌اش رفت و تألیف کتابی را در اصول دین درخواست کرد و پانصد تومان برای او فرستاد؛ ولی او نصف آن را به طلاب و نصف دیگر را به فقرا حواله داد؛ در حالی که خود محتاج بود. (دیوان سبزواری، ص ۱۲)

۵. ولایت‌مداری

امروز جامعه اسلامی ما، از هر زمان دیگری بهتر درک می‌کند که اطاعت از رهبر صالح و ولی امر، چقدر عزت جامعه را به دنبال دارد.

امام سجاد علیه السلام فرمود: «طَاعَةٌ وَوَلَاةٌ الْأَمْرِ تَمَامُ الْعِزِّ» (تحف العقول، ص ۲۸۳)

۶. مقاومت و شهادت‌طلبی

اگر روحیه مقاومت، شهادت‌طلبی و جهاد در راه خدا در افراد جامعه‌ای نباشد و افراد آن به تن‌پروری و تعلقات مادی مشغول شوند، سرنوشتی ذلت‌بار و آینده‌ای حقارت‌آمیز خواهند داشت.

حضرت امام حسین علیه السلام، سرور مجاهدان و سید شهیدان فرمود: «وَإِنْ تَكُنِ الْأَبْدَانُ لِلْمَوْتِ أَنْشِئَتْ فَقَتْلُ أَمْرِي بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ» (بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۷۴)

سعدی می‌گوید:

زنده کدام است بر هوشیار؟ آنکه بمیرد به سر کوی یار

امام حسین علیه السلام حر جلوی راهش را بست و از ایشان خواست تسلیم شود تا از

مرگ نجات یابد، فرمود: «أَفَبِالْمَوْتِ تُخَوِّفُنِي؟»

نواب صفوی شهید راه عزت

به نقل یکی از افسران مأمور اجرای اعدام شهید «نواب صفوی»: در شب

شهادت، نواب با عشق، سوز و به یارانش می‌گفت: «خلیلم! مظفرم! محمدم!

عجله کنید! غسل شهادت کنید! جدهام حضرت زهرا علیها السلام منتظر

ماست.» (نشریه یا لئارات، ش ۱۶۳، ص ۷)

بانوی عزت‌مدار کربلا

حضرت زینب علیها السلام با قامتی کاملاً پوشیده وارد مجلس ابن زیاد شد و گوشه‌ای

نشست و بانوان دیگر گرد او حلقه زدند.

ابن‌زیاد گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَحَكُمْ وَ قَتَلَكُمْ وَ أَكْذَبَ أَحَدُوْتَكُمْ»

حضرت زینب علیها السلام پاسخ داد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ طَهَّرَنَا

تَطْهِيراً لَا كَمَا تَقُولُ وَ إِنَّمَا يَفْتَضِحُ الْفَاسِقُ وَ يَكْذِبُ الْفَاجِرُ وَ هُوَ غَيْرُنَا»

ابن‌زیاد گفت: «کار خدا را درباره برادر و اهل بیت چگونه دیدی؟»

حضرت فرمود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً؛ هُوَ لَا يَكْتُبُ الْقَتْلَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ

فَتَبْرَزُوا إِلَى مَضَاجِعِهِمْ» (وفیات الأنمه، ص ۴۵۴)

مجلس نهم

عقل و عشق در فرهنگ عاشورا

مقدمه: عاشورا دانشگاهی بزرگ برای انسان است و می‌توان درس‌های مهمی در آن آموخت.

سؤال: چگونه امام حسین علیه السلام و اصحابش در اوج دشواری‌ها و محرومیت‌ها، توانستند چنین حماسه‌ای بیافرینند؟

تفاوت انگیزه‌ها و برتری انگیزه ناشی از عشق

انگیزه‌های مختلفی وجود دارند که می‌توانند انسان را به سوی عمل سوق دهند. ترس، علاقه به پاداش و عشق و محبت، هرکدام می‌توانند انسان را وادار به کار کنند. نیروی انگیزشی‌ای که هرکدام از اینها ایجاد می‌کنند با یکدیگر تفاوت دارد.

اختلاف انگیزه‌ها در عبادت و برتری عبادت ناشی از عشق

مطابق برخی روایات، عبادت و اطاعت خدا نیز می‌تواند با یکی از سه انگیزه فوق انجام شود چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْعِبَادَةَ ثَلَاثَةٌ: قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ خَوْفًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ طَلَبَ الثَّوَابِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ حُبًّا لَهُ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۸۴)

محبت و عشق کلید حل مشکلات

محبت و عشق، قوی‌ترین انگیزه‌ها را برای انجام عمل فراهم می‌سازد.

مولوی می‌گوید:

عشق جوشد بحر را مانند دیگ عشق ساید کوه را مانند ریگ

عشق بشکافد فلک را صد شکاف عشق لرزاند زمین را از گزاف

عشق آن شعله‌است کو چون برفروخت هر چه جز معشوق باقی جمله سوخت

شایستگی خدا برای عشق‌ورزی

خدا با صفات زیبا و ارزشمندی که دارد، به بهترین نحو، شایسته عشق‌ورزی است و هر کس بتواند زیبایی‌های خدا را تصور کند، خود به خود عاشق او می‌شود.

امام حسین علیه السلام در دعای عرفه عرضه می‌دارد: «يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ...»

سپس عکس‌العمل‌های بندگان را در برابر چنین خدای مهربانی یادآور می‌شود: «أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ...»

خدا مقام محبت در اولیا را با مقام خوف در هم آمیخته است: «يَا مَنْ أَدَاقُ أَحْبَابِهِ حَلَاوَةُ الْمُؤَانَسَةِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ.»

فطری بودن محبت به خدا

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، این است که محبت به خدا در انسان ریشه فطری دارد و از ابتدای آفرینش، عشق در ما نهادینه شده است. به قول جامی:

دلی کو عاشق خوبان دلجوست اگر داند وگر نی عاشق اوست

دوستی پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت او عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز، از اقتضائات فطرت سالم است. شیخ صدوق در علل الشرایع می گوید: اگر کسی از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بغض و کینه ای در دل داشته باشد، باید در پاکی ولادت خود شك کند.

شخصی به امام محمدباقر عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کرد: «از گناهانم رنج می برم و فکر می کنم که به سبب آنها هلاک می شوم؛ اما وقتی به یاد می آورم که شما را دوست دارم، امید به نجات در من زنده می شود.» امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در پاسخ می فرماید: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ» (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۸۰)

همگام بودن عشق راستین با عقل فطری

عشق و محبت را می توان به دو نوع کلی تقسیم کرد: عشق و محبتی که ریشه در ارزش ها دارد و عشق و محبتی که ارزش محور نیست. علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به عشق های برآمده از شهوات اشاره می کند: «... فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يَغْمِي وَيَصِمُّ وَيَبْكِكُمْ وَ يَذِلُّ الرِّقَابَ...» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۳۶)

عشقی که ریشه در شهوات و هواهای نفسانی دارد، بر عقل انسان سیطره می یابد. اگر عشق ارزش محور باشد، آنگاه باید مراد از عقل روشن گردد. اگر

مراد از عقل، همان عقل خدادادی باشد این عشق و عقل، هیچ تقابلی با یکدیگر ندارند.

عقل و عشق در حماسه کربلا

اصحاب عاشورا از عشقی راستین به خدا برخوردار بودند و از این رو، عشق آنها با عقلشان که بر سلامت فطری خود باقی بود، کاملاً هماهنگ بود.

حضرت علی اکبر عَلَيْهِ السَّلَامُ سوال می کند: «أَلَسْنَا عَلَى الْحَقِّ؟» امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ در پاسخ می فرماید: ما برحقیق، علی اکبر عَلَيْهِ السَّلَامُ بیان می کند: هیچ ایثاتی از کشته شدن ندارم.

شاهد دیگر: حضرت عباس عَلَيْهِ السَّلَامُ با وجود تشنگی در لب شریعه آب ننوشید و لب تشنه از فرات برگشت؛ حال آنکه به حکم عقل، باید آب می نوشید!

حضرت ابوالفضل عَلَيْهِ السَّلَامُ با اظهار وفاداری اش و ننوشیدن آب، قدرتش را از دست نداد، بلکه از آنجا که احساس می کرد شرط عشق و محبتش را بجای آورده است، نیروی دوچندانی پیدا کرد.

در دیده به جای خواب، آب است مرا زیرا که به دیدنت شتاب است مرا

گویند بخواب تا به خوابش بینی ای بی خبران! چه جای خواب است مرا

امام حسین علیه السلام: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ وَ لَا التَّمَّاسًا مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ وَلَكِنْ لِنُرَى الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ وَ يَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ يُعْمَلَ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَنِكَ وَ أَحْكَامِكَ.» (تحف العقول، ص ۲۳۹)

یکی از مباحث مهم درباره قیام حضرت سیدالشهدا علیه السلام، بحث اهداف نهضت کربلاست.

هدف قیام امام حسین

این بحث را می توان از چند نگاه دنبال کرد:

اول: نگاه دشمنان

مخالفان حضرت سیدالشهدا علیه السلام ممکن است بگویند: «قیام امام حسین علیه السلام قیامی عادی و برای هدف و منفعت شخصی بود.»

دوم: نگاه دوستان نا آگاه

برخی از موافقان حضرت - که در واقع، دوستان جاهل هستند - بر این باورند که امام حسین علیه السلام شهید شد، تا گناه امت بخشیده شود. این عده به پیروان جاهل حضرت عیسی علیه السلام می مانند که می گویند: «حضرت مسیح علیه السلام بالای چوبه دار رفت تا کفاره گناهان بشر گردد.»

شهید مطهری رحمه الله: من نمی دانم کدام جانی یا جانی هایی، جنایت را به شکل دیگری بر حسین بن علی علیه السلام وارد کردند و آن اینکه هدف او را

مورد تحریف قرار دادند و همان چرندی را که مسیحی ها درباره مسیح گفتند، درباره حسین علیه السلام گفتند...» (مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۳۲)

سوم: نگاه واقع بینانه با توجه به سخنان حضرت

با دقت در سخنان حضرت، می توان با اهداف بلند نهضت او آشنا شد؛ از جمله:

۱. ذلت ناپذیری و مسئله بیعت

امام حسین علیه السلام در جمع لشکریان دشمن: «أَلَا وَ إِنَّ الدَّعَى ابْنَ الدَّعَى قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَ الذَّلَّةِ وَ هِيَ هَاتِ مِمَّا الذَّلَّةُ يَا أَبَى اللَّهِ ذَلِكَ لَنَا وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» (اللهوف، ص ۹۷)

۲. احیا و اعتلای دین اسلام

حضرت در جمع گروهی از مسلمانان در مکه سخنرانی و ضمن یادآوری وظیفه سنگین بزرگان شهرها، درباره پاسداری از کیان دین، اعتقادات مسلمانان و پی آمدهای سکوت در برابر جنایات امویان، از خاموشی آنان در برابر سیاست های دین ستیزانه حاکمان اموی انتقاد کرد. و در پایان، هدف اقداماتش را علیه نظام ستمگر حاکم، چنین اعلام کرد: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ وَ لَا التَّمَّاسًا مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ وَ لَكِنْ لِنُرَى الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ...» (تحف العقول، ص ۲۳۹)

۳. اصلاح امور امت پیامبر صلی الله علیه و آله

امام حسین علیه السلام بارها هدف نهضتش را اصلاح امور مسلمانان معرفی کرد. ایشان پیش از هجرت از مدینه به مکه، اهداف حرکتش را بیان کرد. حضرت در

وصیت‌نامه به محمد بن حنفیه، هر گونه شایبه قدرت‌گرایی را رد کرد: «... وَ
أَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِيْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ
الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي ﷺ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ
بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ...» (الفتوح، ج ۵، ص ۲۱)

۴- امر به معروف و نهی از منکر

امام حسین علیه السلام در همان وصیت‌نامه بیان کرد: «أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى
عَنِ الْمُنْكَرِ» نیز حضرت هنگام خروج از مدینه در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله گفت:
«اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّ الْمَعْرُوفَ وَ أَنْكِرُ الْمُنْكَرَ...» (الفتوح، ج ۵، ص ۱۹)

۵- احیای سنت نبوی و علوی

در دوره‌ای مسیر سیاسی اسلام به بیراهه کشیده و این دین مبین، وارونه نشان
داده شد. در این باره امیرالمؤمنین، علی علیه السلام فرمود: «و لَبِسَ الْإِسْلَامَ لُبْسَ الْفُرُوجِ
مَقْلُوبًا» (نهج البلاغه، خ ۱۰۸، ص ۱۵۸) امام حسین علیه السلام در همان وصیت‌نامه بیان
می‌دارد: «وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام»

۶- تأمین امنیت

حضرت سیدالشهدا علیه السلام، ضمن سخنرانی‌اش در جمع حاجیان مکه می‌فرماید:
«وَ يَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ»

۷- فراهم ساختن بستری مناسب برای عمل به احکام الهی

آن حضرت، در همان سخنرانی می‌فرماید: «وَ يُعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَنِكَ وَ
أَحْكَامِكَ»

۸- تلاش برای برپایی حکومت حق

واقعیت آن است که حکومت از نگاه معصومان علیهم السلام ابزاری است برای
حاکمیت اسلام و اجرای عدالت؛ از این رو، امامان درصدد تشکیل حکومت
الهی بودند.

۹- زدودن انحرافات و بدعت‌ها

حسین بن علی علیه السلام در نامه‌ای که ضمن آن از بزرگان بصره دعوت به همراهی
کرده بود، علت و هدف از نهضت خویش را چنین بیان کرد: «إِنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَى
اللَّهِ وَ إِلَى نَبِيِّهِ فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ» (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۴۰)

۱۰- انجام وظیفه دینی

امام حسین علیه السلام در مسیر حرکت به کوفه، در بین راه با فرزندق شاعر برخورد کرد
و پرسید: «از مردم کوفه چه خبر؟» فرزندق گفت: «الْخَبِيرَ سَأَلْتُ قُلُوبَ النَّاسِ
مَعَكَ وَ أَسْيَأْفُهُمْ عَلَيْكَ وَ الْقَضَاءُ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ»
حضرت در پاسخ فرمود: «صَدَقْتَ لِلَّهِ الْأَمْرُ وَ كُلُّ يَوْمٍ رَبَّنَا هُوَ فِي شَأْنِ إِنْ
نَزَلَ الْقَضَاءُ بِمَا نَحْبُ فَتَنَحَّمُ اللَّهُ عَلَى نَعْمَائِهِ وَ هُوَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى آذَاءِ
الشُّكْرِ وَ إِنْ حَالَ الْقَضَاءُ دُونَ الرَّجَاءِ فَلَمْ يَبْعُدْ مَنْ كَانَ الْحَقُّ نَيْتَهُ وَ التَّقْوَى

سَرِيرَتَهُ» (الفتوح، ج ۵، ص ۷۱)

۱۱- حق‌گرایی و امانت‌باطل

حضرت سیدالشهدا علیه السلام، در منزل «ذو حُسم»، فرمود: «إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ
تَغَيَّرَتْ وَ تَتَغَيَّرُ وَ أَذْبَرَ مَعْرُوفَهَا فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صُبَابَةٌ كَصَابَةِ الْإِنَاءِ وَ
خَسِيسٌ عَيْشٌ كَالْمَرْعَى الْوَيْبِلِ أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ

لَا يَنْهَى عَنْهُ» (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۶)

مجلس یازدهم

عاقبت به خیری از نگاه آیات و روایات

مقدمه

یکی از مسائل مهمی که در آموزه‌های اسلامی بیان شده و ائمه معصومین علیهم‌السلام برای آن رهنمودهای ارزشمندی ارائه کرده‌اند، عاقبت به خیری است:

اهمیت موضوع

الف) قرآن

- خداوند متعال مؤمنان را این‌گونه توصیه می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران، آیه ۱۰۲)

- قرآن کریم یکی از خواسته‌های راسخان در علم را این چنین بیان می‌کند: «رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (آل عمران، آیه ۸)

ب) روایات

- در روایتی، امام علی علیه‌السلام فرمود: «حَقِيقَةُ السَّعَادَةِ أَنْ يَخْتِمَ الرَّجُلُ عَمَلَهُ بِالسَّعَادَةِ وَ حَقِيقَةُ الشَّقَاءِ أَنْ يَخْتِمَ الْمَرْءُ عَمَلَهُ بِالشَّقَاءِ» (شیخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۵)

- از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که سه مرتبه فرمود: «الْعَمَلُ بِخَوَاتِيمِهِ، الْعَمَلُ بِخَوَاتِيمِهِ، الْعَمَلُ بِخَوَاتِيمِهِ» (حمیری، قرب‌الاسناد، ص ۵۲۴)

ج) دغدغه اولیای خدا

عاقبت به خیری، به قدری اهمیت دارد که حتی اولیای خدا هم درباره آن تشویش خاطر داشته و برای حسن عاقبت دعا می‌کردند. به مواردی در این زمینه اشاره می‌کنیم:

۱. حضرت یوسف و درخواست حسن عاقبت

حضرت یوسف علیه‌السلام که فراز و فرود زیادی در دوران زندگی دارد، وقتی همه مشکلات را پشت سر می‌گذارد و به اوج عزت و سلطنت می‌رسد، تنها دغدغه و تشویش خاطر او، عاقبت کار است و عاجزانه از پیشگاه خداوند می‌خواهد: «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْتَ وَ لِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ تَوْفَنِي مُسْلِمًا وَ الْخَيْرَ بِالصَّالِحِينَ» (یوسف، آیه ۱۰۱)

۲. سفارش حضرت ابراهیم علیه‌السلام به فرزندان

قرآن کریم می‌فرماید: «وَ وَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَ يُعْقِبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (بقره، آیه ۱۳۲)

۳. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و نگرانی از سرنوشت

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چهار چیز از خدای متعال می‌خواهد: «اللَّهُمَّ لَا تَزِغْ مِنِّي صَالِحَ مَا أَعْطَيْتَنِي أَبَدًا، اللَّهُمَّ وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، اللَّهُمَّ لَا تُشْمِتْ بِي عَدُوًّا وَ لَا حَاسِدًا أَبَدًا، اللَّهُمَّ لَا تَرُدَّنِي فِي سُوءٍ إِسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ أَبَدًا» (قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۵)

۴. علی علیه السلام و نگرانی از عاقبت کار

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه شعبانیه، فضائل ماه مبارک رمضان را بیان و ارزش اعمال در این ماه را گوشزد کرد. علی علیه السلام برخاست و گفت: «یا رسول الله! بهترین اعمال در این ماه چه عملی است؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین اعمال در این ماه، پرهیز از حرام‌های الهی است.» سپس پیامبر صلی الله علیه و آله گریست! علی علیه السلام سبب گریه او را پرسید. حضرت فرمود: «گویا می‌بینم که در ماه مبارک رمضان، تو برای خداوند نماز می‌گزاری و در این حال، اشقی الاولین و الآخین، ضربتی بر سرت فرودمی آورد که محاسنت به خون خضاب خواهد شد.» در اینجا، علی علیه السلام تنها پرسشی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نمود، این بود: «و ذلک فی سلامه من دینی؛ آیا آن هنگام، دین من سالم خواهد بود؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فی سلامه من دینک؛ آری، دین تو سالم است!» (شیخ صدوق، الامالی، ص ۹۵)

۵. خردمندان و دعا برای عاقبت‌به‌خیری

خداوند یکی از نشانه‌های صاحبان عقل و خرد را دعا برای عاقبت‌به‌خیری بیان کرده و می‌فرماید: «رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ» (آل عمران، آیه ۱۳۰)

چرا باید نگران عاقبت بود؟

دلیل نگرانی این است که انسان وقتی به تاریخ نگاه می‌کند، می‌بیند کم نبوده‌اند افرادی که یک عمر با عقیده درست و رفتار دینی خوب پیش رفته و در صراط مستقیم بوده‌اند؛ ولی در برهه‌ای از زمان، دچار لغزش و سقوط شده و عاقبت به شر گردیده‌اند.

نمونه‌هایی از خوش عاقبتان:

۱. عمیر بن وهب

۲. عکرمة بن ابی جهل

نمونه‌هایی از بدعاقبتان:

۱. احمد بن هلال

۲. نمونه دیگر که قاری قرآن بود و به جنگ امیر مؤمنان آمد.

دو نمونه از عاقبت‌به‌خیری و عاقبت‌به‌شری در حادثه کربلا:

۱. زهیر بن قین

۲. هرثمة بن سلیم

پس باید علاوه بر مراقبت دائم بر، تقوا، اخلاص، پرهیز از دنیاگرایی، شهوت‌پرستی و ریاست‌طلبی که در حُسن و سوء عاقبت، بسیار مؤثر است، همواره این دعای سفارش‌شده امام صادق علیه السلام را بخوانیم: «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ!» (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۵۲)

مجلس دوازدهم نقش زنان در نهضت عاشورا

مقدمه

امام علیؑ کربلا، عده‌ای از زنان را به همراه داشت. این عده که نقش نظامی و جنگی نداشتند، نقش‌های دیگری بر عهده گرفتند.

شناخت آماری از زنان

پیش از بحث تقسیم‌بندی طیفی زنانی که در نهضت عاشورا حضور داشتند و در تاریخ، نام آنان آمده است:

۱. زنان حاضر در نهضت عاشورا، برخی از اولاد حضرت علی بودند و یا دیگران.

۲. پنج نفر از زنان در کربلا، از خیمه‌گاه حسینی به میدان آمدند که عبارت‌اند از: کنیز مسلم بن عوسجه، ام وهب زن عبدالله کلبی، مادر عبدالله کلبی، مادر عمرو بن جناده و زینب کبریؑ.

۳. دو زن شیردل، جنگیدند. مادر عبدالله بن عمر با عمود خیمه به طرف دشمن روی کرد و امام او را برگرداند. دیگری مادر عمرو بن جناده که پس از شهادت پسرش، سر او را گرفت؛ سپس شمشیر برداشت و به میدان رفت.

۴. زنی که در عاشورا شهید شد، مادر وهب بود.

۵. دلهم، همسر زهیر بن قین، در راه کربلا به کاروان حسینی پیوست

۶. زینب کبری و ام کلثوم، دختران امیرالمؤمنین، فاطمه دختر سیدالشهدا جزء زنان حاضر در کربلا بودند که در دوران اسارت، در کوفه و شام، سخنرانی‌های افشاگرانه داشتند.

نقش آفرینی‌ها

حضور اثرگذار بانوان در عاشورا، به منزله ایفای نقش مسئولانه زن مسلمان در حوادث و موضع داشتن در مقابل جریان باطل و جانبداری از جریات حق، تداوم خطی است که حضرت زهراؑ در حمایت از امام معصوم داشت. حضور حضرت زینبؑ در کنار امام حسینؑ و در تداوم جهاد و شهادت او، برای ایفای همین نقش بود.

۱. افشاگری

ظلم‌ها و جنایت‌های دودمان اموی به آل الله، مایه رسوایی آنان شد. دستگاه حکومت، چه در کوفه و چه در شام، می‌کوشید پرده‌ای روی آن جنایات بکشد؛ اما زنان قهرمان عاشورا، با ایراد خطابه، پرده از چهره امویان کنار زدند.

۲. پیام‌رسانی خون شهدا

اگر افشاگری‌های زنان عاشورایی نبود، چه بسا خون شهدای کربلا هدر می‌رفت.

۳. پرستاری و پشتیبانی

مثل زمان صدر اسلام و جنگ‌های زمان پیامبر ﷺ، حضور زنان در میدان نبرد، نقش پرستاری، پشتیبانی، امدادگری و مداوای مجروحان را داشت؛ به‌ویژه تاریخ درباره حضرت زینبؑ، نقش پرستاری از امام سجادؑ و مدیریت صحنه پشت جبهه را به صورت پررنگ نقل کرده است.

۴. روحیه‌بخشی

حضور مادران، خواهران و همسران مردان در صحنه عاشورا، هم قوت قلبی برای قهرمانان کربلا بود، هم در تشجیع رزم‌آوران و فرزندان و همسران خود، به دفاع از امام و تنها نگذاشتن امام، اثرگذار بود.

۵. مدیریت در شرایط بحران

نقش مدیریتی حضرت زینب علیها السلام که در مراقبت از بازماندگان شهدا در دوران اسارت را، در کنار نیروهای دشمن و کوچ شهر به شهر تا رسیدن به کوفه، سپس دربار شام و بعد بازگشت به مدینه، برعهده داشت. در جایگاه يك الگو مطرح است.

۶. تبدیل اسارت به فرصت

دشمنان فکر می کردند با اسارت اهل بیت امام حسین علیه السلام از دیگران زهرچشم می گیرند؛ اما زنان کربلا، زانوی غم در بغل نگرفتند، بلکه با سخنرانی های افشاگرانه در کوفه، مجلس ابن زیاد، کاخ یزید و هر جا که فرصتی پیش می آمد، ماهیت اسارت را تغییر دادند.

۷. عمق بخشی بعد عاطفی حماسه

حضور زنان و کودکان در صحنه ها، ابعاد عاطفی و تحریک احساسات دارد. زنان عاشورایی به بعد تراژدیك حادثه کربلا عمق بخشیدند و در مجالی که برای عزاداری برای کشته های خویش یافتند، مردم کوفه و شام را هم به گریه انداختند.

۸. شهیدپروری

در صحنه های کربلا، به مواردی برمی خوریم که مادران، جوانان خود را تشویق می کردند تا به میدان روند و جان خود را فدای دین و امام کنند؛ نمونه آن مادر وهب و مادر عمرو بن جناده است.

پیامها

۱. صبر و پایداری

حادثه کربلا، سرشار از حوادث تلخ و آمیخته به شهادت ها و اسارت ها بود.

مقاومت در برابر این سختی ها در طول سفر، خاصه در بخش اسارت پس از عاشورا، درس مهم این حضور است. تا آنجا که حضرت زینب علیها السلام در تعبیرات مختلف با نام «قهرمان صبر» به شمار می آید.

۲. عفاف

گرچه دشمن سعی کرد با غارت خیمه ها، به اسارت گرفتن زنان و گرداندن آنان در شهرهای مختلف به صورت توهین آمیز، شخصیت آنان را خرد کند، اسیران آزاده با تأکید بر مسئله عفاف و حجاب و رعایت حدود الهی، حتی در زمان اسارت و زیر سلطه سربازان دشمن، درس عفاف به جامعه آموختند.

چند چهره شاخص

در واقعه کربلا، چهره های درخشانی از زنان دیده می شوند که ایفای نقش کرده اند. چند نمونه:

الف) زنان هاشمی

۱. حضرت زینب علیها السلام

۲. فاطمه، دختر امام حسین علیه السلام

۳. ام کلثوم، دختر امیرالمؤمنین علیه السلام

ب) زنان غیر هاشمی

غیر از زنان دودمان رسالت، زنان دیگری هم بودند که در حادثه کربلا یا قبل و بعد از عاشورا، نقش داشته اند چند نمونه:

۱. طوعه؛ ۲. دلهم، همسر زهیر؛ ۳. ام وهب؛ ۴. مادر عمرو بن جناده؛ ۹. ذرة

الصدف؛ ۶. دختر عبدالله بن عقیف؛ ۷. زنی که طفلان مسلم را پناه داد؛

۸. زنان بنی اسد؛ ۵. همسر مسلم بن عوسجه رضی الله عنه